

تجلی‌گاه امت حسینی و طلوع تمدن نوین

تاسوعا و عاشورای حسینی.



ایکنا .. به قلم محمدهادی فلاح زاده؛ رئیس دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی

تاریخ ضرورتاً در دوره‌های طولانی جلوه‌گری نمی‌کنند بلکه گاهی در یک مقطع تاریخی بروز یافته و همه تاریخ را به سخن می‌آورد، مانند دو روز تاسوعا و عاشورای حسینی. هر چند در مثل مناقشه نیست، اما می‌توان ادعا کرد تاریخ اسلام (تشیع) یک‌بار دیگر در کالبد چهار روز جلوه‌گر شد و این چهار روز قرن‌ها، از مدینه، تا مسجد کوفه و بقیه تا صحرای کربلا و شام و سامرا را در خود فریاد زند و مصدر این فریاد این بار زمینه و زمانه‌ای شد که کشتی‌بان بی‌پاک انقلاب، از ملکوت خاک به افلاک جان پر کشد، آنچه در ایران و عراق تجلی یافت روایت یک تشییع معمولی نیست؛ این، «سیر صلی‌الله» یک امت است که در چهار پرده حماسی، عرفانی و شاعرانه، از قلب تهران و قم و نجف و کربلا تا حریم رضوی، در جست‌وجوی لاله‌ای می‌دود که ریشه در کربلا داشت.

سه‌شنبه، پانزدهم تیر. تهران دیگر یک کلان‌شهر خاکی نبود؛ بلکه به بیان جهادگر بدون مرز و یار دیرین رهبری شهید حاج قاسم علیه‌الرحمه، حرمی بود به وسعت یک ملت و خیابان‌هایش محرابی از نور و خون. آنگاه که پیکر مطهر قائد شهید در سیل خروشان مردم قرار می‌گرفت، «طوفان بیداری» در قلب ایران به پا خاست.

این برانگیختگی، جوششی از اعماق فطرت است؛ تجلی‌گاه پیوندی که میان روحانیت متعهد و توده‌های آگاه برقرار بود. در این میان، هویت دینی- ایرانی از انتزاع به عینیت می‌پیوندد. این تشییع، پیامی کوبنده و لرزه برانداز به کانون‌های استکبار، آمریکا و غده سرطانی اسرائیل مخابره می‌کند: شما پیکر فرمانده را به خاک سپردید، اما اندیشه او را در رگ‌های میلیون‌ها حسین دیگر جاری کردید. محاسبات شما باطل و دوران بامداد شما به شام غم‌بارتان رسیده است.

آنگاه که کاروان نور به قم، شهر فاطمه معصومه(س) و مهد تشییع علوی می‌رسد، رنگ و بوی تشییع از حماسه به عرفان می‌گراید. چهارشنبه، شانزدهم تیرماه؛ قم دیگر شهر حجره‌ها و مناره‌ها نیست؛ بلکه میعادگاه عاشقانی است که سال‌ها از محضر آن یار سفرکرده، درس استقامت و بصیرت آموخته‌اند.

در حرم کریمه اهل‌بیت و در میان حوض‌خانه علم و تقوا، ابعاد تمدن ساز تشیع آشکار می‌گردد. قلم‌ها بر صفحه کاغذ می‌ایستند، اما جوهر اندیشه او بر صفحه تاریخ جاودانه می‌شود. این وداع، تجدید میثاق حوزه علمیه و مردم قم با آرمان‌های انقلاب است؛ پیامی که نشان می‌دهد ستون‌های «تمدن نوین اسلامی» نه با شمشیر که با قلم، اندیشه و مجاهدت در رکاب ولایت استوار می‌ماند و وقتی به مسجد جمکران می‌رسد انتظار را دوچندان می‌کند. اما اوج این سیر عاشقانه، چهارشنبه هفدهم تیرماه است؛ آنگاه که پیکر مطهر از مرزهای جغرافیایی عبور کرده و به سرزمین نجف اشرف و کربلای معلی می‌رسد. این، تنها یک جابه‌جایی جغرافیایی نیست؛ بلکه «هجرت از ملکوت ایران به ملکوت اهل‌بیت» است.

در نجف، در جوار امیرالمؤمنین(ع) و در کربلا، در حریم سید الشهدا(ع)، «بین المللی بودن» این تشییع به زیباترین تصویر خود بدل می‌شود. میلیون‌ها زائر از لبنان بحرین یمن و سراسر جهان اسلام اعم از شیعه و سنی، شانه به شانه عراقی‌ها پیکر رهبر شهید را بر دوش می‌کشند. این صحنه تجلی عینی امت واحده اسلامی است امتی که خون رهبران مرزهای ساختگی استعمار را در نوردیده و قلبها را به هم گره زده است. در کربلا فریاد «هیهات منا الذله» در فضا می‌پیچد و جبهه مقاومت جهانی میثاقی دوباره با خون سردارانش می‌بندد.

سرانجام جمعه هجدهم تیرماه خورشید ولایت پس از طواف حرم امن الهی در نجف و کربلا به سوی مشرق زمین به سوی خراسان رضوی پر می‌کشد. مشهد شهر غریبان و پناهگاه دل شکستگان در آغوش امام مهربانی‌ها میزبان فرزند زهرا (س) می‌شود. در حرم مطهر رضوی آنجا که ضریح طلا تابش خورشید ولایت را در خود منعکس می‌کند عرفان به اوج خود می‌رسد. رهبر شهید اکنون در جوار ضامن آهو در سرزمینی که روزگاری پناهگاه مهاجران علوی بود، به خواب ابدی و بیداری قیامت می‌رود. این خاک سپاری نقطه پیوند «انقلاب اسلامی» با «ریشه‌های تاریخی تشیع خراسان» است.

این چهار روز تاریخی، از تهران تا قم، از نجف و کربلا تا مشهد، تنها یک مراسم وداع نبود؛ بلکه «بیانیه ظهور تمدن نوین اسلامی» بود. تمدنی که بر پایه عدالت علوی، ایثار حسینی، بصیرت فاطمی، اندیشه جعفری و مهربانی رضوی بنا شده است. رهبر شهید رفت اما در میلیون‌ها سینه جای گرفت. او که معمار این تمدن نوین بود اکنون خود به سنگ بنای این کعبه آمال بدل شده است.

طوفان بیداری در قلب جهان اسلام اکنون با قدرتی هزار چندان غبار استکبار را از چهره تاریخ می زداید و طلوع خورشید عدالت الهی و ظهور مهدی موعود(عج)، سلام الله علیه یومَ وُلِدَ و یومَ تُبْعَثُ و یومَ یَمُوت... را بشارت می دهد.

اما در پس این اشک ها و ناله ها و طوفان جمعیت جهانی پنهان، «کیمیاگری اجتماعی» در جریان است. آنچه از نگاه عادی تنها سوگی عظیم می نماید، در هندسه جامعه شناسی تشیع سیاسی کارگاه عظیم تولید سرمایه اجتماعی است. تشیع رهبر شهید لحظه نادر تاریخ است که در آن «سرمایه نمادین» حاصل از قرن ها میراث عاشوراء مرجعیت دینی و کاریزمای ولایی با سرعتی نورگونه به «سرمایه اجتماعی» است تبدیل می شود: سرمایه ای که ملت را در برابر طوفان فتنه ها، بیمه و تاب آور می سازد.

در تئوری جامعه شناسی سیاسی، سرمایه نمادین به معنای اعتبار قداست مشروعیت الهی و پرستیزی است که در کالبد یک نماد محقق می شود. در اینجا، پیکر رهبر و نمادهای حسینی، تجلی می یابد، اما سرمایه اجتماعی، شبکه ای از اعتماد، همبستگی، هنجارهای مشترک و کنش جمعی است که جامعه را در برابر بحران ها استوار می دارد. تشیع چهار روزه، از تهران تا مشهد، با عبور از قم، نجف و کربلا بزرگترین ماشیت تبدیل این دو سرمایه به یکدیگر است. این تبدیل از طریق چهار مکانیزم کلیدی رخ می دهد:

۱. شبکه سازی فراملی و تولید همبستگی فرامرزی: مسیر تشیع، تهران، قم، نجف، کربلا و مشهد تنها یک جابه جایی جغرافیایی نیست؛ بلکه «ترسیم فیزیکی شبکه های اجتماعی جهان اسلام» است. حضور میلیونها زائر از لبنان، یمن، بحرین و ... سرمایه نمادین «تشیع ایرانی» را به سرمایه اجتماعی «محور مقاومت» تبدیل می کند. این پیوندهای عاطفی که در بستر سوگ مشترک شکل می گیرد، اعتماد متقابل استراتژیک میان ملت ها را عمیق تر کرده و شبکه ی اجتماعی مقاومت را در برابر هژمونی استکبار، چنان محکم می بافت که هیچ تحریم یا تهدیدی یارای گسستن آن را ندارد.

۲. تبدیل «سوگ فردی» به «کنش جمعی تمدن ساز»: در بسیاری از جوامع سوگ رهبران به انفعال اجتماعی می انجامد، اما در الگوی شیعی، سوگ به «شور حسینی» و کنشگری مدنی گره می خورد. سرمایه نمادین «شهادت و ولایت»، به هنجار اجتماعی «ایثار» و مسئولیت پذیری تبدیل می شود. مردمی که در این تشیع شانه به شانه هم حرکت می کنند، در واقع در حال بازتولید «قرارداد اجتماعی» خود با نظام اسلامی هستند. این هم افزایی عاطفی، به انسجام درون گروهی، اعتماد به آینده و آمادگی برای از خود گذشتگی های بزرگتر در مسیر ساخت تمدن نوین اسلامی منجر می شود.

۳. بازتولید مشروعیت و تاب آوری ملی در برابر جنگ شناختی: دشمن همواره تلاش می کند با هدف قرار دادن نمادها، سرمایه اجتماعی (اعتماد) مردم را هدف گیرد، اما تشیع باشکوه رهبر شهید، نشان می دهد که سرمایه نمادین نظام، ریشه در اعماق فطرت و باورهای توده ها دارد. این حضور میلیونی، پیامی کدگذاری شده به دشمنان است: «شما نمی توانید با جنگ نرم پیوند ارگانیک میان ملت و مکتب حسین را منقطع کنید. این رخداد، سرمایه اجتماعی یعنی «اعتماد عمومی» و «تاب آوری ملی» را به شدت افزایش داده و جامعه را در برابر پاس افکنی های دشمن واکسینه می کند.

۴. نهادینه سازی تداوم سیستم (از شخص به اندیشه): ظریف ترین بخش این کیمیاگری، گذار از کالبد خاکی رهبر به اندیشه جاودان او است. سرمایه نمادین مرتبط با یک شخصیت، با خطر زوال مواجه است، اما تشیع باشکوه امت، این سرمایه را در قالب گفتمان مقاومت و بیانیه گام دوم نهادینه می کند. بدین ترتیب، سوگ مردم به تعهد اجتماعی برای ادامه راه و اشک ها به سرمایه اجتماعی انگیزشی برای جوانان مؤمن و انقلابی تبدیل می شود تا پرچم تمدن سازی را بر دوش کنند.

این چهار روز، تنها وداع با یک مرد بزرگ نبود؛ بلکه «بیانیه جامعه شناختی» یک تمدن بود که نشان داد چگونه می توان با تکیه بر سرمایه های نمادین آسمانی یعنی عاشورا ولایت و شهادت مستحکم ترین سرمایه های اجتماعی زمینی یعنی وحدت شبکه های مقاومت اعتماد عمومی و کنشگری تمدن ساز را بنا کرد.

رهبر شهید رفت، اما شبکه اجتماعی که از اشک ها و فریادهای این تشیع متولد شد، چنان در هم تنیده است که هیچ قدرتی در جهان قادر به فروپاشی آن نخواهد بود. این سرمایه اجتماعی عظیم، اکنون سوخت موشک تمدن نوین اسلامی است؛ تمدنی که نه با زور شمشیر که با پیوند عمیق مادهای مقدس و اراده جمعی توده های آگاه، جهان را به سوی عدالت مهدوی (عج) رهنمون خواهد شد.

«وَتَمَّتْ کَلِمَتُ رَبِّکَ حَیْذًا وَعَدًّا، لَّا مَبْدَلَ لِکَلِمَاتِهِ، وَهُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ»

و سخن پروردگارت از روی راستی و عدل کامل شد سخنان او را تغییر دهنده ای نیست و او شنوا و داناست.

(آیه ۱۱۵ سوره انعام)